

امیدهای «لیلا خالد» در مورد آینده فلسطین

ما مردمی سرخورده نیستیم

نویسنده: لیلا دین ترجمه: مرصیه خادم شریف



لیلا از طرف رهبران جهان خلق به مأموریت فرستاده شد. او از پنجاهگش در دره اردن عازم دیدار دوپیمه جدا شد. در گفت: مسؤول فعالیت های بین المللی چهجه نامی ای به مادرش، تغییر روحی اش را چنین بیان کرد. او بود. مأموریت برای رونق هواییمما به او ابلاغ شد. او ترسیدن را انکار می کند. «من هم خندیدم، زیرا خود را به حالی که کیفی بر پیش داشتیم، در حال ردودن هواییمما می دیدم. بقیه طلبت به طور مستقیم در تاریخ می تواند از عهده آن برآید، او به شدت آگاه است که اگر در دوره کودکی، نمی توانی قلمی کرده باشی من می گفتند این فکر از آن نویسنده، پدیدار شدن او در ذهن ما داشته باشی، زیرا دور فلسطین نیستی و ما خارج از سرزمین ما این چیزی ندایم، بالاخره در سال ۱۹۶۹،

به صحبت های لیلا گوش فرامی دهید. خالد در گفتارنش شلوغ اخیر در لندن باعث سکوت شد. او گفت: «هفده پوهیوان در جنگ دوم جهانی نمرده اند، او ضد ساسی بودن را انکار می کند، آنها بیرونی بودند، پوهیوان فلسطین، قبل از آنکه صهیونیت ما سرزیر شوند، روزی که خانواده ما از حیفا گریختیم، من با دوست کوچک پوهدی ما «تامار» و مشغول بازی بودم، مادرم برای من آمد، مادر تامار و او با من اصرار کرد، مادرش من می گفت اگر امروز اینجا از ترک کنید، به شما آگاه بازگشت نخواهد داد».

او مایل است صهیونیسر ما از دین یهود جدا باند. اما نیازمند تمی و وضیته را به هیئت های ایجاد کرده اند، تغییر دهم، یعنی اعتقاد آنها به اینکه دولت اسرائیل، انتقاد از یهودی بودن است را بر هم زیم، و این اعتقاد را با اشاره به همکاری فراموش شده بین صهیونیت ها و نازی ها در حین جنگ دوم جهانی به اثبات می رساند، او صهیونیست ها را مسؤول

نمی خواست ما به عنوان دختران در شهری بسیار محافظه کار درگیر این مسائل شویم، زیرا ملاقات دخترانش با مردان بدنامی به بار می آید. مادر لیلا فقط با دخالت او در سیاست مخالف نبود. خالد امتحانات نهایی خود را در چه ممتاز گذرانده بود، او به می خواست فارغ التحصیلی خود در در درجات بالاتری ادامه دهد، با نظرات مادرش رویه رو می شد که «تو این مدارک را برای چه می خواهی، برای آویختن در آشپزخانه؟»، او در زبانی تحصیل در رشته کشاورزی بود و جدایی او از اصول معمولی زانگی خوب فر قرار داد، یکی از رویارویی های متعدد با مطوعات غرب قرار داد، و به هنگام فارغ التحصیلی صدای آمریکا با افراد فارغ التحصیل ممتاز مصاحبه می کرد، او من پرسید که چرا در رشته کشاورزی تحصیل کرده ام، گفت: ما به فلسطین بازخواهیم گشت و اسرائیلی ها رودرروی ما خواهند ایستاد، جنگی در خواهد گرفت و اسرائیلی ها انقلابی نداری.

لیلا خالد بر منظر گذشت، اومی خواست تر و تازه به نظر برسد، کسی که کودگاری به نام زیارتون جنگنده «راه آزادی» جهان نام گرفته بود، به وضوح می اندیشید که دلایلی برای زندگی دارد. در ۱۳ سالگی، آثار دو زامیان را، حتی سیگار کشیدن فرط نتوانسته اند او را تکیه کنند، ولی ظاهر لیلا خالد شباهتی به یک

طی چند دقیقه پس از ملاقاتها، خالد سه روزی برای پخت آردن پاکه ها و دوپسر نوجوانش را به من تعارف کرد. به دنبال شیرینی ها، چای هم آورده شد و پس از آن، سیگار کشید، سن، زندگی او را شنیدیم. این زن به تحت نظارت بودن عادت کرده و به شدت به آن پایبند است، او زمانی که در ۴ سالگی، خانه اش در «حیفا» به اشتغال سربازان اسرائیلی درآمد، او برای تصویر آراشده و راهی از سرتیوب بی حاصل قلهایی خفت خنگیسد، سن، جنسیت، وضعیت بهداشتی و خفت ناشی از آنها از نظر لیلا همگی به معنای مبارزه بوده است.

در صورتی که رسانه های عمومی بیرونزد، زندگی او از ۲۴ سالگی و پر از نرفت آغاز شده است، در واقع پس از ترک حیفا، کوشش های او پیش از آنکه بر مبنای تصمیم سیاسی باشد، اکثر فعالیت های روزمره بود. لیلا در سن ۱۴ سالگی به عنوان ششمین فرزند از ۱۲ فرزند خانواده در جنوب لبنان در قفر به سر می برد. البته وی آنجا را ترک خانه خود نقلی نکرد است.

مدرسه او، چادری بود که ۱۱۹ کودک کلاس آن درس می خواندند، تفنگداران دریایی ایالات متحده و ارتش لبنان به منظور سرکوبی شورشی علیه رئیس جمهوری لبنان وارد شهر شده بود و اعضای خانواده خالد در شورش شرکت داشتند، او به یاد می آورد که وظیفه او گردن براندازی آنها بود، سربازان به دختری ۱۴ ساله غذا در دست، اجازه عبور می دادند.

این دختر پیش از آنکه به سکه ای برای خرید شیرینی بیندیشد، به امید آنکه انعام وطلاش منجر به مأموریت های بیشتر شود و روزی حلیان به پیوستن جنبش ملی عرب و کوشش برای آزادی فلسطین به سر می برد. «مادر ما مانند مادر فلسطینی می گفت، ما روزی به فلسطین بازمی گردیم، من ترسیدم، او اعتقاد به حق بازگشت به حقوق غیرقابل مذاکره را در ذهن ما می نشاند، مادر لیلا به رغم این تفکر یکی از مخالفان بزرگ او بود، او با جنبش ملی عرب مخالف بود، او

سرگردانی آشکار پوهیوان سوسیالیست می داند. در سخن حال، به اعتقاد او، صهیونیست ها به عین می کوشند که پشت مذهب پنهان شوند. این جنگ علیه مذهب نیست. این جنگ علیه فلسطینیان است که اسرائیل حق بازگشت به فلسطینیان را به بدین هیچ بهانه ای اعطا کند؟ او می گوید: «من می بینم که زمانه عوض شده و اینک سال ۱۹۶۷ نیست، با وجود این ما قبلاً با پوهیوان زیسته ایم و می توانیم دوبار این کار را انجام دهیم. حکومت صهیونستی ادعا می کند که جای کافی برای ما وجود ندارد و همچنین مسأله کافی در دسترس نیست، ولی می بینیم که آنها وسوسا و آروپا شری ها می خواهند که سرزمین های اشغالی جنوب را برآند، و فقط از موضع مناسب به لیلا و دعوت انتقام گیری او را مقابل سرکوب مردمش روشن است که آتش های سرخوردگی که در خانواده های فلسطینی مجبور، به اولرگی فروخته شده است، طی تسلیها فراتر از می شود، او یک شمار درمی فلسطینی را ترجمه می کند، «هر کودکی در سرزمینی زاده می شود ولی در فلسطین، سرزمین در درون کودک زاده می می شود».

من از او راجع به حد و اندازه توجیه این اعتقاد در روشهای مشاورت امیر انتداب می سؤال می کنم، وی پاسخ می دهد: «من فردی خشن نیستم ولی هنگامی که مردم به قتل می کشند، زنان ما مورد هتک حرمت قرار می گیرند، خانه های ما تخریب می شود و در حالی که اشتغالگران در خواب هستند، آیا شما انتظار دارید ما به سوی آنان گل پرتاب کنیم؟ اگر ما اعتراض کنیم، ما را می کشند، اگر هواییمما برابیم، نگاه جهان گوش فرا می دهد، من منظر او را به وضعت موجود، بخصوص استفاده از جوانان در عملیات تجاری جلب می کنم، شاید به مناسبست توجه او به وختان مساله و شاید به علت غم برای کشید شدگان، صدایش را پایین می آورد و می گوید شما باید در یادید که کودکان بزرگ شده در اردوگاهها این کار را انجام می دهند. در احیا زندگی بسیار گرانگتر است. مردم آینده نامعلوم دارند، به نظر می رسد فلسفه جدید سازمان ملل متحد آن است که شما بدهید این پس وضعت ناشی از رضایتبخش است، حتی اگر زندگی شما داشته باشید».

او استدلال می کند که جامعه بین المللی باید عنیت کرا ایستد، «انها به کمک هزاران فلسطینی به چشم زبانهای جنگ می برند، ولی هر مرگ اسرائیلیان را به دیده دیگری نگاه می کنند، آیا اعمال اسرائیلیان نسبت به ما را قانونی تلقی می کنند، چرا که آن را دولت می دانند، چون فقط سنگ در دسترس داریم، نه تانک و نه کونکول پولیت، فردا این بهوشک هستی، درگیری طرف فعال جنگ شناخته می شود؟ او مخالف این اندیشه است که این بمبگذاران، انتقام جویی است، صرفاً به دلیل آن است که آنها

فلسطینیان) چیز دیگری برای جنگیدن ندارند. بنابراین پندهاینا(به عنوان سلاح به کار می برند، آیا انتتار به معنای سرخوردگی است؟ لیلا ادامه می دهد که «نه، ما مردمی سرخورده نیستیم، ما زندگی را دوست داریم و هر مرگ را به علاوه، صدها سال طول کشید که صهیونیست ها کشوری با پایتخت ی بیت المقدس بنا کنند، بنابراین من می بینم که بازگشت ما به حیفا و دو برابر این طول می کشد».

مشکلات فراترند، ولی آیا لیلا می تواند راه حلی نشان دهد؟ او در بیان نرسط، هر کسی وظیفه ای دارد و فقط در آن سطح است، که روند حقیقی صلح می تواند وجود داشته باشد، او بیژاک هوشیاری فلسطینی ها نسبت به ۵۰ ساله اهدشکنی از سوی اسرائیل و سازمان ملل متحد است. «در ۱۹۴۸، شرایطی برای اسرائیل به وجود آمد که به عنوان دولت معرفی شد و می ایست پذیرد که فلسطینیان حق بازگشت دارند. ایک است فلسطینیان یک دولت شناخته شده می شود و ما حق بازگشت نداریم، سازمان ملل متحد قطعنامه مبتنی بر درخواست حق بازگشت صادر کرد است، ولی این اسناد در صندوق مانده اند و کسی کلید آن ندارد».

او اطلاعات از مردم اسرائیل می خواهد که از زندگی تحت حاکمیت جنایتکاران سرباززند، مردم عرب، «آریل شارون» را به خاطر می آورد که صدها سرباز مصری که در صحرای سینا شکست را پذیرفته بودند، دفن کرد. آیا انتظار می رود مردم اسرائیل از دست راستی های افراطی بگریزند؟ او معتقد است که تغییر در جریان است پوهیوان سوسیالیست در اسرائیل سربرمی آورد، «اهدای او در اسرائیل مورد پذیرش قرار گرفته است، سربازان اسرائیل، به طور روزافزون زنان را به خدمت وظیفه ترجیح می دهند و بیابانی سربرجی از جنگ و زاری مرزهای ۱۹۶۷ را امضا کرده اند».

لیلا نقطه نظرهایش را روشن می کند: «در آغاز، ما باید راه حل طولانی را بپذیریم، ولی بالاخره در زمانی مناسب این کار باید به یکدیگر ببینند، و کشوری واحد تشکیل شود و تمام فلسطینیان حق بازگشت داشته باشند و آنگاه است که هر دو گروه ملتی حقیقتاً خود را یکدیگر بپذیرند، و رویای او آرمانگرایانه است و من در او شکی پیش رونده را درمی یابم که آیا تا به وقوع پیوستن این رؤیا زمانه نماند، خالد قبل از آنکه بپرد تا داستانهای را برای او دیگری تعریف کند، کارتی به من می دهد و اصرار می کند که به هر دلیل در هر زمان که خواستم می توانم سیر بگیرم. بروی کارت نوشته شده است، «لیلا خالد، به وضعت مکزکی چه خلق برای آزادی فلسطین، شورای ملی فلسطین و اتحادیه عمومی زنان فلسطین، لیلا خالد می نویسد. حدودی تبدیل به لیلا صهیونیه گیزه شده است. در پایان این پرسش از تصمیم گیری، او می گوید که او با این معتقد است که مردم اسرائیل می توانند بازگشتند، نوشته شده، خنده ای که پس از آزادی شنیده می شود، صدای آغشته به دود و وقار، او بر هم می زند، «بازگشتند؟ آن وقت چه کسی به من احترام خواهد گذاشت؟ کانون؟ من از نفسی که دارم، رضای هستم، او علاقه ای را به مارکس طرح می کند و می گوید: «مبارزه، شهادت و شامدانی ایست».

منبع: سایت اینترنتی پرورد

فرزند محبوب مکزیکوسیتی»

ترجمه فاطمه موقوف نژاد

اوپرادو معروف به املو (AMLO) متحجر شد و او را در عنوان اولین نایب فرمان بهترین شهردار دنیا در سال ۲۰۰۶ انتخاب کردند. اکنون املو اندیشه های والائری دارد. اومدتی پیش اسنادها تا خود را برای انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۶ آماده کند. او در نظر سنجی ها با دو رقم از برقی احتمالی خود در حزب رئیس جمهور یعنی حزب اقدام ملی (PAN) و حزب انقلابی بنیادین (PRD) که زمانی پیش تاز بود، جلوتر افتاده است. دلنگنی لوپز، او برادو برای روزهای خوب گذشته، یعنی زمانی که دولت بر اقتصاد مکزیکو نظارت داشت و این امر در ترکیب با علاقه به برنامه های پرهزینه اجتماعی، سبب ناراحتی رهبران و سرمایه گذاران خارجی می شد. لوپز او فرود کرد و در طول کلیدی نرفت نتخبگان سیاسی و تجاری، فرزند تجار خرده یاست، مردی است که هرگز در بخش خصوصی کار نکرده، انگلیسی صحبت نمی کند و به ندرت به خارج سفر کرده است.

اما بدون لوپز اوپرادو، منحنه انتخاباتی ضعیف است. PAN و PRI که از نزاع های داخلی بر روی ظرفیت های خود در پرچم داری ریاست جمهوری به ستوه آمده اند، هیچ علامتی مبنی بر ایجاد اتحاد علیه نتیجه متحوم خود نشان نمی دهند. در واقع، لوپز اوپرادو می تواند انتظار سیخ اعضای برگشته از PRI را داشته باشد که اوپروتو مادرزاد رهبر حزب و نامزد احتمالی او تا تحقیر می کنند. در همین حال، لوپز اوپرادو ادامه می شود تا برای گسترش شبکه هواداران خود در ۳۱ ایالت، به آنها سفر کند. با چنین شایه، به نظر می رسد که تنها چیزی که ممکن است مانع وی در رسیدن به امیال ریاست جمهوری باشد، آن است که دچار اشتباه شود. متأسفانه برخی وجود نخوت درین فرمان مردمی را بزرگترین آفت می دانند.

کار و کاسیو مردم لوپز اوپرادو به عنوان شهردار، از صبح قبل از طلوع آفتاب کار خود را آغاز می کرد، وی هر روز ساعت ۶:۲۰ دقیقه صبح پس از دیدار محبت امیر ما

تسلیمات

جناب آقای مهندس نیک کردار
معاونت محترم عمرانی استانداری کرمانشاه

با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را به جنابعالی و خانواده محترمان تسلیم عرض می نمایم.

جناب آقای مهندس مشاور همگرو

جناب آقای مهندس سرفراز

با نهایت تأسف و اندوه فراوان موجب درگذشت مادر بزرگوارتان را تسلیم عرض می نمایم. شادی روح آن مرحومه و صبر و شکیبایی بزرگانگان را از خداوند متعال خواستارم.

مدیریت و کارکنان شرکت ارس بنیاد

مرکز پذیرش آگهی های ترجمه و تسلیم در روزنامه ایران

تلفن: ۰۲۷-۸۸۷۳۶۸۰۰، تماس: ۰۲۷-۸۸۷۶۹۰۰

خیابان شهید فتدی (پالیزی سابق) ، کوچه هشتم، شماره ۴

ایران وارنر

پذیرش آگهی

تلفن: ۸۸۷۳۶۵۹۰
 تماس: ۸۸۷۳۶۹۸۰